

بخش اول :

مشروطیت و پیدایش قانونگذاری در ایران

کازرون و نمایندگان منتخب

(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف : غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

email:dehghan@kazeroon.net

• عوامل و چگونگی پیدایش مشروطه در ایران :

یکی از مهمترین وقایعی که تا این زمان در تاریخ معاصر ایران روی داده است و بالاترین تحول را در شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به وجود آورده و حکومت استبدادی را که از آغاز تا آن دوران در ایران فرمانروایی می‌کرد واژگون کرد، مشروطه است. هدف مشروطه این بود که حکومت ملی را که پایه‌اش بر روی فلسفه نوین و رشد فکر و آزادی و عدالت است برقرار سازد و آزادی عقیده و تساوی حقوق افراد و حکومت مردم بر مردم (دموکراسی) را در ایران استوار نماید و تقدیر و سرنوشت مردم و مملکت را به خودشان واگذارد و مردم را در وضع قوانین مناسب با اخلاق و صلاح جامعه آزاد نماید انقلاب مشروطه ایران به مبارزه‌هایی گفته می‌شود که از سال ۱۳۲۳ هـ. ق بین طرفداران حکومت مشروطه و قانون با هیئت حاکمه و وابستگان آن‌ها که به استبداد طلبان معروف بودند به وقوع پیوست و در تمام ارکان اجتماعی و فرهنگی و سیاسی این ملت رسوخ کرده دگرگونی‌های عمیقی را در وضع مردم ایران به‌وجود آورد. چنان‌که اثرات عمیقی را بر پیکره تاریخ ایران برجای گذاشت.

در این سطور قصد براین است که دریابیم وضعیت ایران قبل از مشروطه چگونه بود و مشروطیت در ایران به چه ترتیب برقرار شد و قانون اساسی که تا امروز دستخوش تحولات عظیمی گشته است برای اولین بار چگونه در ایران به وجود آمد:

• وضعیت ایران قبل از مشروطیت :

در این دوره نسبتاً طولانی قانونی که براساس آن برای عهده‌داران وزارت، مسئولیت خاص و مشخصی در مقابل مقام یا مقاماتی وجود داشته باشد و ملت حق نظارت بر کارهای وزیر یا هیأت دولت را داشته باشد تدوین نشده بود. در این دوره مقام سلطنت غالب بر مقام وزارت بود و عمل وزارت به طور مستقیم زیر نظر رئیس مملکت وقت و با نظارت تام و تمام آن مقام در کلیه امور و احوال کشور صورت می‌گرفت که البته مسئولیت وزیر و همکاران او در مقابل مقام سلطنت مقام و مسئولیتی قانونی نبود، از این برهه زمانی به بعد و از آن زمان که دولت به عنوان یک سازمان سیاسی فرمانروا با تکامل تدریجی خود از تغییر اجتماعی متأثر گردید و حکومت سلطنتی به حکومت سلطنتی مشروطه و تفکیک قوای سه‌گانه جامعه تبدیل شد، مقام وزارت در ایران دیگر از آن حالت معاونت و مشورت دادن محض خارج شد و به عنوان قوه مجریه تحت ریاست مقام سلطنت که همانا رئیس قوه مجریه در حکومت مشروطه است تبدیل گردید و بدین شکل وزیر اعظم و هیأت وزرا در مقابل مجالس قانون‌گذاری مسئولیت قانونی پیدا کردند.

چگونگی پیدایش این تحول عظیم تاریخی که منجر به مهیاشدن زمینه‌های پارلمانتاریسم در ایران شد از دو منشأ و عامل اصلی نشأت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از :

الف- رویدادها و مسائل داخلی ایران

۱- **نهیضت تنباکو** : قیام عمومی مردم در مخالفت با اعطای امتیاز دخانیات به یک فرد خارجی از سوی ناصرالدین شاه که در قالب تحریم استعمال دخانیات از سوی مراجع تقلید شد، که البته این مسئله و حتی در

موارد بعدی هم هنوز حرفی از دگرگونی ساختار نظام سیاسی در میان نمی‌باشد. اما اهمیت این قیام در اتحاد و همبستگی مردم علیه سلطنت و استبداد حاکم واکنشی اجتماعی است که به عنوان مقدمه دگرگونی نظام، اهمیت بارزی دارد.

۲- ترور ناصرالدین شاه: در مقابل نهضت تنباکو که باعث خواری دستگاه استبدادی سلطنت گردیده بود و خشم انگلیسی‌ها را نیز برانگیخته بود، علما و روشنفکران و مردم باسواد را به تحریکاتی علیه شاه و امین‌السلطان واداشت. آن‌ها با وارد کردن و ترویج روزنامه‌های مختلف به ایران به نشر افکار مخالف سلطنت پرداختند، واکنش ناصرالدین شاه در مقابل تشدید استبداد و خفه کردن هرگونه صدای آزادی‌خواهانه در کشور بود. سرانجام فشار رژیم استبدادی و نارضایتی مردم و تبلیغات مخالفین منجر به قتل ناصرالدین شاه در اول مه (۱۸۹۶م) و (۱۳۱۳ق) به دست میرزا رضای کرمانی گردید، این خبر باعث باروری نهضت مردمی و ایجاد تحول و دگرگونی در رژیم سیاسی شد و بار استبداد را تا حد زیادی کاهش داد.

۳- آزادی نسبی در دوره سلطنت مظفرالدین شاه: پس از ناصرالدین شاه فرزندش مظفرالدین شاه که از خستگی طولانی و انواع بیماری‌ها رنج می‌برد با اندیشه‌های بازتری به قدرت می‌رسد. شاه جدید نسبت به پدرش مهربانتر بود و تمایل چندانی هم به سخت‌گیری و استبداد مطلق نداشت و همین مسئله باعث ایجاد فضای بازی برای گسترش افکار نوخواهی و دموکراسی گردید. در دوره سلطنت او گسترش معارف جدید و تأسیس مدارس ملی رونق گرفته، باب آمد و شد با دنیای متمدن باز شد. در مجموع دوره‌ی مظفرالدین شاه چه در سال‌های اصلاح طلبی امین‌الدوله

و چه در سال های استبداد امین السلطان نتوانست جلوی بارورشدن اراده مردم را در تغییر نظام حکومتی بگیرد.

۴- رنجش مردم از بلژیکی ها : در سال ۱۳۱۶ امین الدوله سه تن بلژیکی را آورده، کار گمرک ایران را به آن ها سپرد تا در اصلاح وضع گمرکات و پست و افزایش عواید آن بکوشند. رئیس آنها نوز بود که به زودی مشخص شد عامل اجرای سیاست روسیه تزاری بوده و دستور کار خود را از سفارت روس می گیرد. حضور آنها و قوانینی که وضع کرده بودند به ضرر بازرگانان ایرانی بود و باعث دادخواهی مردم از شاه شد، رفتار بلژیکی ها باعث جدایی افکنی بین بازرگانان ایرانی و بیگانه و همین طور مسیحیان ایرانی و مسلمان شد. همه این عوامل منجر به عقد قرارداد گمرکی ۱۹۰۱ با این کشور شد و باعث نارضایتی مردم گشت. چون ضمن این قرارداد روس ها تقریباً از پرداخت عوارض گمرکی کالاهای صادراتی خود به ایران معاف می شدند. امضای این قرارداد ضربه سختی بود که به ایران وارد شد و زمینه یک اعتراض عمومی دیگر مهیا گردید.

در کنار تمامی این مسائل می بینیم که جامعه هم به حدی از بلوغ فکری رسیده بود که درخواست های واضح و روشنی داشته باشد. ظلمی که بر مردم اعمال می شد از قبیل ارتباط با بیگانه و تحمل شداید و تحقیر و توهینی که غرب بر ما روا می داشت در حقیقت چیزی نبود که فقط بزرگان قوم از آن آگاه باشند، هرچند بسیاری از مردم نمی دانستند که دقیقاً عدالتخانه چیست، اما مفهوم عدالت و تقاضای آن برای ایشان مشخص و روشن بود.

در آن زمان اداره ای که در آن داورانی به دادخواهی های مردم رسند و داوری نمایند نبود، البته یکی از وزارتخانه ها را به این نام می خواندند که

وزیر آن نظام‌الملک بود ولی چنان‌که همه کارها از روی خودکامگی بود، در این عدلیه هم کارها از روی خودکامگی انجام می‌گرفت و هرچه می‌خواستند می‌کردند. و به کار می‌بستند.

خواست عدالتخانه در حقیقت همان چیزی بود که مردم به عنوان یک نوع نیاز حس می‌کردند که در جامعه باید تحقق پیدا کند. در کنار عوامل فوق دو نهاد فعال اجتماعی روحانیت که از جمله‌ی آن‌ها افرادی همچون آیت‌ا... بهبهانی و طباطبایی بودند و همچنین تجار بازار رابطه تنگاتنگی را برقرار کرده و به عنوان عناصر اصلی وارد صحنه می‌شوند و به تحریک جامعه یا به تعبیر امروزی القای یک ایدئولوژی پویا برای کشاندن آن‌ها به میدان می‌پردازند، چون مردم نمی‌توانستند آن چیزی را که حقیقتاً به دنبالش هستند به صورت علمی تبیین کنند، اما می‌دانستند که رژیم قاجار با کارکردی که در خلال صد سال اخیر از خود نشان داده قابل دفاع نیست و همچنین توانایی برآورده کردن خواست‌های مردم را ندارد.

ب- رویدادهای خارجی :

از سوی دیگر تجربه‌های سایر ملل در این خصوص تأثیراتی در مردم ایران گذاشته بود و در بازکردن ذهن روشنفکران و رشد آگاهی نسبت به اندیشه دموکراسی پارلمانی و مشروطیت مؤثر واقع گردید و توده مردم را به اصلاح و دگرگونی علاقمندتر ساخت، این عوامل و زمینه‌ها عبارتند از:

- انقلاب کبیر فرانسه که سهم به سزایی در آگاهی و بیداری مردم ایفا نمود و آنها را به ایجاد نظامی مبتنی بر رعایت آزادی و حقوق مردم علاقمندتر می‌ساخت، انقلاب فرانسه و نظام دموکراتیک آن کشور تأثیر

بسیاری بر مردم در تهییج و تشویق آن‌ها برای دگرگونی نظام سیاسی و اندیشه دموکراسی و پارلمانتاریسم داشت.

- در ایتالیا نیز اتحادیه‌ای به وجود آمد که دارای یک قانون اساسی بود و سپس پادشاهی ایتالیا گام به عرصه وجود گذاشت.

- در عثمانی آزادی خواه نامدار ترک، مدحت پاشا یک قانون اساسی تنظیم کرد که در سال ۱۸۷۶ به تصویب سلطان عبدالحمید دوم رساند، این قانون اساسی مدتی معلق شد تا در سال ۱۹۰۸ به وسیله ترکان جوان دوباره زنده گشت. تحولات ترکیه بر ایران تأثیر چشمگیری داشت و این مسئله چند دلیل داشت.

(۱) همسایگی ایران و عثمانی و ارتباط دو کشور

(۲) حاکمیت دین اسلام در عثمانی

(۳) رقابت دیرینه میان ایران و عثمانی که سابقه طولانی تاریخی داشته است.

به همین شکل در هندوستان، مصر، ژاپن و چین و روسیه اتفاقاتی از این دست روی داد که به شکل‌های مختلف به گوش مردم ایران و به خصوص آزادی خواهان می‌رسید. این امر با توسعه صنعت چاپ و انتشار آثار مختلف باعث باز شدن اذهان مردم و استبداد ستیزی و رشد اندیشه پارلمانتاریسم و حرکت جامعه به سوی نظام پارلمانی شد.

روزنامه‌های تهران :

نخستین روزنامه پس از مشروطه روزنامه مجلس بود. امتیاز آن به نام

میرزا محسن

و راهبرد آن به دست میرزا محمد صادق طباطبایی بود و از جمله روزنامه‌های آبرومند شمرده می‌شد.

پس از مجلس روزنامه‌های دیگر فراوانی پیدا شدند از جمله: وطن، ندای وطن، کلید سیاسی، کشکول، تمدن، ندای اسلام، حیات، جام‌جم، خرم، عراق عجم، زبان ملت و آدمیت و بسیاری از این دست. در میان دیگر روزنامه‌ها، دو روزنامه آبرومند دیگری در تهران نشر یافت که یکی از آن‌ها حبل‌المتین تهران و دیگری صوراسرافیل بود، حبل‌المتین را سید حسن کاشانی برادر مؤیدالاسلام بنیاد نهاد و خود شاخه‌ای از حبل‌المتین کلکته شمرده می‌شد. روزنامه صوراسرافیل البته در این میان به آرزوها و خواست‌های مردم تا اندازه‌ای نزدیکتر بود و آن را میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا جهانگیرخان شیرازی بنیاد نهادند و میرزا علی‌اکبرخان قزوینی (دخو-دهخدا) یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه تا زمان به توپ‌بستن مجلس برپا بود.

مفهوم پارلمان و پارلمانتاریسم :

در این قسمت به این مبحث می‌پردازیم که پارلمان به چه معناست؟ اولین پارلمان‌ها برحسب چه اندیشه و دیدگاهی به وجود آمده‌اند؟ وظیفه آن‌ها در مقابل مردم چیست؟ و تعامل بین سه قوه چگونه است؟

پارلمان: از ریشه فرانسوی "پارله" به معنای گفتگوست. دیگر آن‌که پارلمان از کلمه "پارلیامنتوم" لاتین به معنای "صحبت کردن" گرفته شده است. هیأتی را که در هر کشور از سوی مردم برگزیده می‌شود و کارش تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن‌هاست را پارلمان می‌گویند.

در حکومت‌های دموکراتیک فعلی پارلمان نماد حاکمیت مردم و دموکراسی است.

پارلمانتاریسم : اندیشه پارلمانتاریسم یا دموکراسی پارلمانی یا همان حکومت نمایندگی، شکلی از حکومت است که در آن شهروندان حق خود را نه از طریق شخص خود بلکه از طریق نمایندگان که خود در انتخاباتشان سهیم بوده‌اند و در قبالشان مسئول هستند اعمال می‌نمایند. این نمایندگان قوه مقننه را تشکیل می‌دهند و قوانین را وضع می‌کنند و وظیفه برگزیدن رؤسای قوه مجریه را از میان خود یا افراد نخبه خارج از مجلس برعهده دارند.

برای پارلمانتاریسم تعاریف متعددی ذکر شده است، اما در یک معنا پارلمانتاریسم شیوه کشورهایی است که در آن پارلمان در مقام قانونگذار قرار دارد و قوه مجریه در برابر آن مسئول است و تعیین و تأیید وزیران نیز با رأی اعتماد مجلس صورت می‌گیرد. هرگاه قوه قانونگذار از هیأت وزیران سلب اعتماد نماید آن هیأت برکنار می‌شود و هیأت دیگری بر سرکار می‌آید.

در رژیم پارلمانی بین قوای سه‌گانه همکاری نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد. در آن نوع نظام سیاسی که بیشتر مبتنی بر قانون‌اساسی است نقش رهبری کننده کشور برعهده پارلمان است چرا که حکومت در برابر پارلمان مسئول است و اراده ملت در مجلس یا مجالس مقننه ظاهر گردیده است.

به هر شکل قانون‌اساسی وارد ایران شد و این در زمانی بود که ایران در وضعیت مساعدی قرار نداشت و ما در شرایط خوبی قرار نداشتیم، چون در این دوره اوضاع داخلی ایران و همین‌طور سیاست بین‌المللی و مؤسسين مشروطیت دچار محظورات بزرگی شدند. بعد از آن‌هم که مشروطه به ثمر رسید و مشروطیت تصویب شد، در ولایات فئودال‌هایی بودند که با استفاده از ضعف دولت مرکزی قدرت پیدا کرده و نفوذ مرکز مملکت کم شد و بالتیجه سلطنت مشروطه ایران و مجلس ایران نتوانست

آن طور که لازم است قانون اساسی را با قوانین عادی تقویت بکنند. چند سال اول مشروطیت وقت مجلس ایران بیشتر صرف آن می شد که مشروطیت را حفظ نماید و با مخالفان آن به مبارزه بپردازد.

• بازتاب مشروطیت ایران در جراید و روزنامه‌های کشورهای آزاد :

با امضای مشروطیت جراید کشورهای آزاد ملل دموکرات پیرامون مشروطیت ایران

و بیداری ایرانیان مقالاتی نوشتند، یکی از جراید پاریس در آن زمان این گونه می نویسد: غفلتاً و بدون انتظار در کشور ظلمانی و تاریک استبدادی ایران ستاره آزادی پدیدار گشت و دنیا را به آینده ملت ایران که گذشته درخشانی در تاریخ دارد، امیدوار نمود.

روزنامه دیگری می نویسد : چراغ مشروطیت که در ایران روشن شد و افکار نوین که در آن پدیدار گشت رهبر آسیا خواهد گشت و همچنان که ایران در گذشته مرکز تمدن آسیا بود، در آتیه نیز مهد آزادی و دموکراسی خواهد شد. کلیه ملل آزاد جهان از این خبر غیرمنتظره که در ایران روی داد و نهضتی که پیش بینی نمی شد اظهار خرسندی و رضایت نمودند.

تشکیل اولین مجلس در ایران و رأی به قانون اساسی :

مجلس اول شورای ملی در تاریخ ایران جایگاه و پایگاه ویژه‌ای دارد، این مجلس در واقع مادر مجالس ایران و نخستین میدان رسمی چالش

استبداد (حاکمیت فردی) و دموکراسی (حکومت مردمی) بود. مجلس اول به تحقق رساننده یک رسالت تاریخی بزرگ در آن برهه‌ی زمانی بود. در پی انقلابی آرام مجلس مسئول محقق کردن خواسته‌های مردم و از بین بردن باقی‌مانده‌های استبداد و خود محوری و جایگزین کردن قانون و عدالت و آزادی شد.

• روزشمار تصویب مشروطه و قانون اساسی :

در سال ۱۳۲۴ هجری (۱۲۸۵ خورشیدی) سرانجام مظفرالدین شاه قاجار در مقابل نیروی ملت تسلیم شد و در روز چهاردهم مرداد سال ۱۲۸۵ خورشیدی مطابق ۲۴ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ هجری قمری و ۵ اوت سال ۱۹۰۶ میلادی که در ضمن مصادف با سال روز تولد خود شاه هم بود، فرمان مشروطیت ایران را امضاء و صادر کرد و ماده تاریخ این روز بزرگ را عدل مظفر انتخاب کردند. در سال ۱۳۲۴ هجری (۱۲۸۵ خورشیدی) نخستین مجلس ایران در کاخ گلستان با حضور مظفرالدین شاه قاجار در حالی که با صندلی چرخ‌دار به مجلس آمده بود تشکیل گردید و در همین سال قانون اساسی و نظام‌نامه انتخابات به امضاء مظفرالدین شاه رسید که این قانون اساسی و متمم قانون اساسی مشروطه ایران و مجلس شورای ملی اولی دارای پنجاه و یک اصل و دومی دارای صد و هفت اصل بود.

بخشی از خطابه شاه به نمایندگان به هنگام افتتاح مجلس چنین است : « لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها عاید خودتان بود و بس، ولی از امروز شامل هزاران نفوس است که شما را انتخاب کرده‌اند و منتظرند که شماها با

خلوص نیت و پاکی عقیده به دولت و ملت خود خدمت نمایند و از اموری که باعث فساد است احتراز کنید.»

از این تاریخ جلسات مجلس به طور رسمی آغاز شد، در ابتدا روند حاکم بر مجلس نظم درستی نداشت به طوری که هر نماینده سعی می‌کرد به همشهری‌های خود خدمت کند و در مجلس درمورد شهر خویش حرف بزند و به همشهری‌های خود بگوید من دائماً در فکر شما هستم.

در این دوره حزب و گروه و فراکسیون خاصی در مجلس نبود اما می‌توان سه گروه پارلمانی را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- محافظه‌کاران یا حامیان شاه که طرفدار وضع موجود بودند.

۲- تندروها که در ابعاد فکری اعتقاد به دموکراسی غربی و نادیده گرفتن اعتقادات و فرهنگ بومی مردم و در ابعاد سیاسی هم معتقد به مخالفت با شاه بودند.

۳- بی‌طرف‌ها (میان‌روها) که دارای ایدئولوژی و مرام فکری مشخصی نبودند.

کنترل و هدایت مجلس و پیشنهاد طرح‌های انقلابی اکثرأً توسط گروه دوم و با حمایت‌های دسته سوم صورت می‌گرفت.

یکی از ویژگی‌های مجلس اول ترکیب آن از اصناف و طبقات مختلفی بود که با وجود نقطه ضعف‌هایی که داشت باعث می‌شد نمایندگان تمامی اقشار جامعه از علما و بازرگانان، روشنفکران، کشاورزان، صنعتگران و بازاریان و ... در مجلس حضور فعال داشته باشند.

ویژگی دوم مجلس اول ترکیب تخصصی و کلا بود، آدمیت می‌نویسد بیست و سه نفر از وکلای دوره اول فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های اروپا بودند. در تمامی زمینه‌ها اعم از سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دینی و ... وکلای متخصص در مجلس حضور داشت، برای مثال در مذهب افرادی مانند سید

محمد طباطبایی، بهبهانی و در حوزه روشنفکری افرادی مانند تقی‌زاده و وکیل‌الرعیاء و در حقوق و سیاست چهره‌هایی مانند سعدالدوله و ممتازالدوله حضور داشتند.

به طور خلاصه می‌توان گفت مجلس اول بیشتر کاری و عملگرا بود تا سیاست‌زده و اکثر نمایندگان آن صرف‌نظر از تمایلات فردی و طبقاتی در اندیشه کشور و منافع ملی بودند.

• قانون اساسی :

تدوین قانون اساسی در ابتدا با مشکلاتی روبه‌رو شد، بدین معنی که علما کوشش داشتند قانون را به سود خود تنظیم کنند، آزادی‌خواهان واقعی می‌خواستند قدرت ملی را از آن خود سازند و درباریان مایل بودند که قدرت در وجود شاه متمرکز شود و مجلس به صورت یک هیئت رایزنی در آید. سرانجام آزادی‌خواهان پیروز شده و قانون مزبور را در ۵۱ اصل تنظیم کردند.

برای این امر جمعی از مردان مطلع و حقوقدان از طرف مشیرالدوله به رستم‌آباد شمیران دعوت شدند و مأمور تنظیم نظام‌نامه انتخاب گردیدند. مشیرالملک یکی از اعضای مؤثر این کمیسیون بود (دیگر اعضای کمیسیون صنیع‌الدوله، و محتشم‌السلطنه و مخبرالسلطنه و مؤتمن‌الملک بودند) در تنظیم قانون اساسی و متمم قانون اساسی نیز مشیرالملک و محتشم‌السلطنه و گاهی مخبرالسلطنه رابط بین او و مجلس بودند تا بالاخره قانون اساسی به امضاء شاه و ولیعهد رسید و شاه محتضر پس از توشیح قانون اساسی به زودی درگذشت. با همه تلاش‌هایی که مشیرالدوله برای تدوین قانون اساسی انجام داد و در تدوین نظام‌نامه محاکمات نظامی،

تلاش بسیار نمود و سازمان عدلیه را مختصر سر و سامانی داد، و اقدامات اصلاحی او در عدلیه نشانه روحیه قانون‌خواهی او بود، اما در آغاز، خود در عدلیه، گروهی از قضات را بدون محاکمه و ثبوت تقصیر از دادگستری بیرون راند، طرفداران متعصب مشیرالدوله این‌گونه اقدامات را دلیل بر آن می‌دانند که او مصلحت عمومی را مقدم بر قانون اساسی می‌دانسته، اما شکستن حدود قانون اساسی از طرف یک وزیر یا رئیس‌الوزرا خود بزرگترین قدم برخلاف مصلحت عمومی می‌باشد. گرچه مشیرالدوله در کارهایش حسن‌نیت داشت ولی وقتی هیچ اصلی در کشور ثابت نماند و استوارترین ارکان قانون به سلیقه شخصی قابل نقض و لگدکوبی شد، امنیت اجتماعی و قضایی مردم متزلزل می‌گردد و حکومت مشروطه اثر خود را از دست می‌دهد و این نتیجه مغایر با هدف حکومت ملی است که مشیرالدوله طرفدار آن بود.

مصوبات اولین دوره مجلس شورای ملی :

۱- قانون اساسی در ۵۱ ماده

۲- متمم قانون اساسی

۳- قانون تشکیل ایالات و ولایات مشتمل بر ۴۳۳ ماده

۴- قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۲۲ ماده

۵- قانون وظایف

۶- قانون نظامنامه داخلی مجلس

۷- قانون مجازات

۸- قانون تجارت

۹- قانون ممیزی علمی

۱۰- قانون مطبوعات.

مجلس شورا در ایران ادوار پرماجرایی را در پی داشته است و گاهی به صحنه برخورد بین خواست دموکراتیک و ساختار قدرت در جامعه بدل شده بود، در حقیقت برای رفع ظلم، زور و جبر دوره پایانی ناصرالدین شاه مردم خواستار تأسیس عدالتخانه شدند و با شعار عدالتخانه به استقلال قوه قضاییه و در نهایت به مسأله رأی و ایدئولوژی مشروطه تبدیل شد و پس از به رسمیت شناخته شدن مشروطیت و تدوین قانون اساسی، امر اخیر گامی در جهت مردم سالاری بود. در ادوار اول، دوم و سوم مجلس، اعمال نفوذ هیئت حاکمه در کار نبود و مجلس قوانین را یا به تصویب رساند و یا دست کم مورد بحث قرار داد. البته در این ادوار مجلس عاری از تش‌ها و کشمکش‌های درونی نبود.

به حق می‌توان مجلس ملی اول را مادر مشروطیت در ایران نامید، یکی از بزرگترین، بهترین و پرشورترین و کاری‌ترین مجالس ملی ایران بود، این مجلس علاوه بر قانون‌گذاری تکالیف عظیمه بی‌شماری داشت که در تاریخ شرق برعهده هیچ مجمعی محول نشده است، مجلس ملی می‌بایستی مشروطیت را در ایران خلق کند، مملکت را از حال بی‌قانونی صرف به اوضاع قانونی بیاورد، تمام اصول سیاسی و اداری و خیلی از ترتیبات اجتماعی چند صد ساله را به هم بزند و هرچه زودتر چیزی به جای آن‌ها بگذارد. مجلس اول یک مرکز انقلابی درجه اول بود. از ابتدا قدرت این مجلس صرف شناساندن خود شد به دولت و تحصیل حقوق لازمه برای خود، شاه این مجلس را با کمال بی‌اعتنایی و به عنوان یک عدالتخانه می‌پذیرفت. لکن صدای مهیب و شورانگیز وکلای ملت به زودی دولت را از اشتباه بیرون آورد.

بی‌اعتنایی به مشروطه و مشروطه‌خواهان و پایان کار مجلس

اول :

ماهیت استبدادی محمدعلی شاه از یک طرف و تشویق‌های روس‌ها از طرف دیگر سرانجام محمدعلی شاه را به بی‌اعتنایی و سپس مخالفت با مشروطیت واداشت و او را به این نتیجه رساند که برای حفظ منافع راهی جز نابودی مجلس باقی‌نمانده است. شاه اولین بی‌اعتنایی را به مشروطیت در مراسم تاجگذاری انجام داد و از نمایندگان مجلس برای شرکت در مراسم دعوت نکرد. مدتی بعد هم که متمم قانون اساسی را برای تأیید پیش او بردند، از امضای آن خودداری کرد ولی وقتی با شورش مردم در شهرهای مختلف روبرو شد تن به امضای آن داد. با این حال مستبدین به سرکردگی محمدعلی شاه با کمک روس‌ها و چراغ سبز انگلیسی‌ها در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ق. علیه مجلس کودتا کردند. لیاخوف روسی فرمانده قزاق‌ها مجلس را به توپ بست و نمایندگان آزادی‌خواه کشته یا دستگیر و فراری شدند. این دوران را در تاریخ استبداد صغیر می‌نامند. محمدعلی شاه آزادی‌های به حق مردم را سرکوب کرد و جز اراده شخصی خویش قانون دیگری را به رسمیت نمی‌شناخت .

ملک‌الشعراى بهار در این زمان چنین می‌سراید :

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست

قیام شهرها و شورش علیه استبداد محمدعلی‌شاهی :

پس از آن که خبر سرکوبی مشروطه‌خواهان و به توپ بستن مجلس به شهرهای مختلف ایران رسید، مردم سر به شورش برداشتند و تصمیم به مبارزه با استبداد گرفتند، در این میان دو تن از رادمردان تبریز به نام‌های ستارخان (سردار ملی) و باقرخان (سالار ملی) به جمع مردم پیوستند، در شهرهای دیگر ایران هم اتفاقاتی از این دست روی داد. پایمردی آن‌ها باعث شد محمدعلی شاه از سلطنت خلع شده و پسر سیزده ساله‌اش، احمدشاه را جایگزین او کردند و عضدالملک رئیس طایفه قاجار را به عنوان نایب السلطنه برگزیدند.

فتح تهران :

روسیه و انگلستان که شاهد حرکت‌ها و قیام‌های مردمی بودند و حمایت‌های علمای عتبات را هم از این حرکت‌ها می‌دیدند کوشش کردند جلوی آن‌ها را بگیرند، اما چون موفق نشدند در صدد کنترل کردن این قیام‌ها برآمدند. تلاش‌های روسیه و انگلستان برای ممانعت از ورود مردم به تهران بی‌نتیجه ماند، گروه‌هایی که عازم تهران بودند در سال ۱۲۸۸ خورشیدی وارد تهران شدند. محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناه برد و فاتحان تهران در بهارستان به تشکیل شورایی اقدام کردند که منجر به عزل محمدعلی شاه از سلطنت شد.

مشکلاتی که پس از این پیش آمد دلایلش روندی بود که مشروطه‌خواهان پس از فتح تهران در پیش گرفته بودند. از جمله اقدامات ناپسندی که انجام دادند این بود که حامیان سرکوب و اختناق و طرفداران رده اول محمدعلی شاه مانند عین‌الدوله را رها کرده و افرادی مانند شیخ‌فضل... نوری را اعدام کردند.

منابع و مأخذ :

- ۱- حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع، تقویم تاریخ سیاسی ایران از آغاز تا پایان دوره پهلوی، تهران : کوشش ۱۳۷۹ ، ص ۴۹.
- ۲- رضایی، عبدالعظیم، گنجینه تاریخ ایران ج ۱۲ صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار، تهران : اطلس ۱۳۷۸ ، ص ۶۱۱.
- ۳- شجعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ، ج ۱ ، تهران : سخن ۱۳۷۲ ، ص ۱۰۱ .
- ۴- شهرام‌نیا ، سید امیرمسعود؛ پارلمانتاریسم در ایران. - تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ صص ۳۶۷-۳۸۴ .
- ۵- کسروی، احمد؛ تاریخ مشروطه ایران. - تهران : بی‌نا، ۱۳۲۲ ، صص ۸۲-۸۳ .
- ۶- صفایی، ابراهیم؛ رهبران مشروطه. - تهران : جاویدان ۱۳۶۲ ، صص ۴۶۶-۴۸۷.
- ۷- متین دفتری، احمد ، سیر قانون‌گذاری در ایران، تهران : [بی‌جا] باشگاه مهرگان ، صص ۳-۴ .
- ۸- یوسفی، مریم؛ مجالس قانون‌گذاری در ایران. - صدای عدالت، شماره ۸۱/۸/۱ .